

## لایحه اصلاح قانون آئین دادرسی و کیفر ارتش

در تاریخ ۲۳ مرداد ۲۷ لایحه بعنوان اصلاح قانون دادرسی و کیفر ارتش مجلس تقدیم شد چون این جانب قریب پنج سال بر حسب مأموریت از طرف وزارت دادگستری در اداره دادرسی ارتش سمت معاونت و دادستانی داشته‌ام و در تدوین لایحه قانون فعلی دادرسی و کیفر ارتش مصوب دیماه ۱۳۱۸ شرکت و دخالت داشتم لایحه فعلی را مطالعه نموده نظریات خود را اظهار میدارم :

بطور کلی لایحه مزبور وحشت آورااست و تصویب آن نه تنها برخلاف مصالح حقیقی ارتش است بلکه چنین مقررات خطرناک و بی سابقه کاملاً مخالف مصالح مملکت و ملت نیز میباشد - چون این قبیل لوائح قانونی که راجع بامور دادرسی و قضائی است معمولاً یا در وزارت دادگستری ( اداره حقوقی ) تهیه و تدوین میشود و یا اگر در وزارتخانه دیگر هم تنظیم گردد بایستی در اداره حقوقی وزارت دادگستری دقیقاً مورد مطالعه واقع و حلایجی و اصلاح شده و بعد بامضاء وزیر دادگستری برسد تا بمجلس تقدیم شود - بالاینکه این لایحه دارای امضاء و وزیر دادگستری هم بود پس از تحقیق بانهایت تعجب معلوم شد که اصلاً ادارات مربوطه وزارت دادگستری این لایحه را ندیده و امضا نکرده‌اند وزارت دادگستری بدون اطلاع اداره حقوقی آنرا امضا نموده است.

اینک به بحث در مواد لایحه مزبور که صورتاً بمنزله ماده واحده ولی ماده ۲۴ میباشد میپردازیم :

ماده یا بند ۲ از لایحه مزبور میگوید : « تشکیک دیوانجرب و دیوان تجدیدنظر زمان جنگ در مواقع عادی و حکم ماده ۱۰۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش در مورد کلیه جرائم در هر نقطه‌ای که بزرگ ارتشتاران فرمانده لزوم آنرا تصویب نماید میسر خواهد بود و حکم

ماده ۱۱۴ قانون دادرسی ارتش درباره احکام و محکومین این قبیل دادگاهها نیز جاری است »

این ماده طوری تنظیم شده که اشخاص غیر وارد از ظاهر آن يك موضوع مهم و قابل توجهی را درك نمی کنند ولی پس از مطالعه و مراجعه بمواد ۱۰۲ و ۱۱۴ قانون دادرسی ارتش مقرراتی بشرح زیر حاصل میشود:

۱- در زمان صلح هم میتوان مقررات مربوط بزمان جنگ را در امور دادرسی اجراء نمود

۲- همان تشریفات سریعی را که راجع بدادرسی راهزنان مسلح طبق ماده ۱۰۲ اجراء میگردد میتوان در مورد کلیه جرائم متهمین در هر نقطه با تصویب اعلیحضرت همایونی اجراء نمود

۳- حکمی هم که این دادگاه صادر مینماید قطعی بوده و می توان حق تقاضای تجدید نظر و رسیدگی فرجامی را از آنها سلب نمود مگر اینکه دادستان ارتش با تجدید نظر موافق باشد.

و چون در بند اول ماده واحده مزبور عده قضاة دیوان حرب هم از پنج نفر سه نفر تقلیل یافته بنا بر این اگر از سه نفر اعضاء دادگاه دو نفر آنها حکم اعدام یا حبس دائم یا هر کیفری که برای متهم صادر نمودند بدون تجدید نظر یا رسیدگی فرجامی قابل اجرا میباشد مگر اینکه دادستان ارتش موافق با تجدید نظر باشد

۴- چون در بند ۱۲ از ماده واحده پیشنهادی هم برخلاف کلیه اصول قضائی دنیا اجازه داده شده است که اشخاصی که خود آنها بانها اتهام ارتکاب جرمی تحت تعقیب باز پرس میباشد ( مادام که ادعای نامۀ بر علیه آنها صادر و بدادگاه فرستاده نشده ) میتوانند بسمت ریاست یا عضویت دادگاه انتخاب گردند!

بنابراین اگر این حکم اعدام یا حبس ابد یا هر کیفر دیگری را که دو نفر از «قضائی» که خودشان هم درجای دیگر تحت تعقیب باز پرس میباشد صادر نمایند بلاشکال بوده و بطوری که فوقاً توضیح شد قطعی و غیر قابل تجدید نظر خواهد بود؟!



قبل از بحث درباره مواد دیگر این لایحه بایستی نظریه خود را راجع بقسمت بالا توضیح دهم.

بمقیده اینجانب باستثنای کشور روسیه شوروی که اطلاعات صحیحی از سیستم دستگاہ قضائی آن چه راجع بارتش و چه غیر ارتش در دست نیست امروز در هیچ کشوری مخصوصاً کشورهای که حکومت دموکراسی (ولو اسمی و ظاهر) دارند یک چنین مقررات شدید وحشت انگیزی برای محاکمات نظامی خود (حتی در زمان جنگ واقعی) وجود ندارد و اگر خدای نخواسته برای محاکمات ارتش یکروز یک چنین مقررات بیرحمانه و خلاف منطق و عدالت حکم فرما گردد اولاً اداره یا تشکیلات دادرسی ارتش بصورت یک قانون وحشت و ترس درآمده بطوری که حتی ذکر نام آنها رعب آور خواهد بود و جائی که بایستی در نظر افسران و افراد نظامی و غیر نظامی مرکز دادخواهی و دادگستری مقرون به بیم و امید باشد صد درصد محل بیم و ترس بدون کوچکترین روزنه از امید شناخته خواهد شد ثانیاً مهمترین و مؤثرترین حربه و وسیله را برای اعمال غرض و سوء استفاده و در معرض تهدید و فشار گذاردن اشخاص نظامی یا غیر نظامی که با دلیل یا بدون دلیل متهم واقم میشوند بدست دادستان ارتش و اداره او میدهد که اگر مثلاً خدای نخواسته در یک زمان آن دادستان شخص معترض و استفاده چنی باشد با وجود چنین مقرراتی برای هیچکس مخصوصاً افسران جزء دیگر ابدأ اطمینانی به مصون بودن خود و خانواده و حیثیت و اموالشان باقی نمی ماند. و همین موضوع بزرگترین و قاطع ترین صدمه و لطمه معنوی را به ارتش و روحیه افسران و سربازان و دیگران وارد خواهد ساخت.

بمقیده قطعی نگارنده با سوابق و تجارب کافی که در این قسمت دارم حتی اگر ما بتوانیم مأمورین و متصدیان دستگاہ قضائی ارتش مخصوصاً پستهای حساس را از بین صالح ترین و شریفترین و پرهیزکارترین و بصیرترین افسران ارتش انتخاب نماییم تازه صلاح و مصلحت نیست که یک چنین مقررات دهشت انگیزی را حتی در زمان جنگ برای امور دادرسی بدست آنها بدهیم تا چه رسد بزمان صلح و مواقع عادی

در بند ۳ از ماده واحده پیشنهادی فقرات زیادی از جرائم عمومی که مربوط به تکالیف نظامی نیست شمرده شده و نوشته شده است که این جرائم « از لحاظ رعایت ماده ۲۶۸ قانون دادرسی ارتش از بزه های نظامی محسوب است » منظور از این ماده اینست که احکامیکه در مورد

این قبیل جرایم صادر میشود و در قانون فعلی دادرسی دیگر ارتش قابل شکایت فرجامی میباشد دیگر قابل رسیدگی فرجامی نخواهد بود .  
این ماده نیز مادام که تشکیلات دادرسی ارتش از هر جهت اطمینان بخش نباشد ابدأ مقرون بمصلحت نیست که احکام صادره در مورد تمام این جرائم غیر قابل رسیدگی فرجامی شناخته شود.

در ماده یا بند (۷) از ماده واحده پیشنهادی ذکر شده است که  
> بمواد منظوره در فصل اول باب دوم کتاب چهارم قانون دادرسی ارتش هر جا کلمه «دشمن» ذکر شده بعد از کلمه دشمن کلمه «یا بیگانگان» اضافه میشود»  
این ماده باین صورت که تنظیم شده خطرناک و ابدأ صحیح و عقلانی نیست و باید اصلاح شود زیرا مقصود از مواد منظور در فصل اول باب دوم از کتاب چهارم قانون دادرسی ارتش که در این ماده قید شده مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ قانون مزبور است که در ماده ۳۱۱ این فصل مقرر شده است «۲- هر نظامی که برای انجام مقاصد دشمن با او تباہی نماید محکوم باعدام است» - حال اگر در این ماده بعد از کلمه دشمن، کلمات «یا بیگانگان» را هم اضافه نماییم نتیجه این میشود که اگر يك نظامی برای انجام مقاصد يك بیگانه که اولاً دشمن نیست و دوست است و ثانیاً انجام مقاصد آن بیگانه ابدأ ارتباطی با کشور ایران هم ندارد و ثالثاً مقاصد آن بیگانه دوست جنبه نظامی هم نداشته باشد بلکه فنی یا علمی یا تجارتي باشد با او تباہی و سازش نماید باز باستناد این ماده میتوان او را قابل تعقیب و محکوم باعدام نمود.

بنا بر آنچه توضیح شد این ماده هم باین صورت که تدوین شده ابدأ صحیح و عقلانی نبوده و بایستی اصلاح گردد.  
در بند ۱۷ مقرر شده است که رسیدگی بجرایم عمومی نظامیان که بسبب خدمت یا حین انجام خدمت واقع میشود ( و فعلاً بموجب قانون ۲۹ آبان ۲۲ در دادگاههای عمومی رسیدگی میشود ) در دادگاههای نظامی رسیدگی خواهد شد .

یعنی اگر يك نظامی در حین خدمت ملك دیگری را بقر و غلبه تصرف و یا بحدود آن تجاوز نموده و یا دیوارخانه همسایه خود را برای استفاده خانه خود خراب نمود و یا در خیابان عابری را زیراتومبیل گرفت رسیدگی باین قبیل وقایع در دادگاههای نظامی بعمل خواهد آمد .

«مستندات» این ماده که مشعر بر «احقاق حق» و تأمین حقوق افراد  
میباشد محتاج بتوضیح نیست !!

چون بحث در سایر مواد لایحه مزبور که متضمن مسائل خردی-  
مهمی است از

۱- دربند (۸) از ماده واحده پیشنهادی ذکر شده است «کلیه  
اتهامات جاسوسی اعم از اینکه مشمول مواد منظور در قانون کیفر عمومی  
یا سایر قوانین کیفری متمم آن و یا قانون دادرسی ارتش باشد در دادگاه  
های نظامی زمان جنک رسیدگی میشود»

بعقیده اینجانب در زمان جنک البته کلیه اتهامات جاسوسی اعم از  
آنکه مشمول قانون دادرسی و کیفر ارتش یا کیفر عمومی باشد اقتضادارد  
در دادگاههای نظامی رسیدگی شود در زمان صلح هم آن نوع اتهامات  
جاسوسی که در ماده ۳۱۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش پیش بینی شده است  
البته همانطور که در آن ماده ذکر شده از لحاظ اهمیت موضوع اقتضادارد  
در دادگاههای نظامی رسیدگی شود ولی تعمیم دادن این موضوع بسایر  
مواردیکه در قانون کیفر عمومی پیش بینی شده مادامی که تشکیلات اداره  
دادرسی ارتش و بطور کلی محاکم نظامی ما از لحاظ قضاوت و رسیدگی  
صحیح اطمینان بخش نباشد صلاح نیست زیرا در مواد ۶۱ تا ۶۸ قانون کیفر  
عمومی (در فصل اول از باب دوم قانون مزبور) در مبحث جنحه و جنایات  
برضد امنیت مملکت مواردی پیش بینی شده است که رسیدگی و تحقیق و  
تعقیب آنها از حدود اطلاعات و تشخیص و صلاحیت دستگاه قضائی فعلی  
ارتش خارج میباشد و در ماده ۳۱۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش با تعریف  
«جاسوسی» برای اشخاصیکه بمعنای قانونی جاسوس شناخته شوند کیفر  
اعدام مقرر شده است که رسیدگی بآن موارد هم در دادگاههای نظامی بعمل  
خواهد آمد ولی اگر این ماده یا بند ۸ از ماده پیشنهادی هم باین صورتی  
که تنظیم شده تصویب گردد محاکم نظامی بطور کلی با استفاده از عبارت  
«کلیه اتهامات جاسوسی» که در این بند ذکر شده ممکن است تمام آن مواردی  
را که در مواد ۶۱ تا ۶۸ قانون کیفر عمومی پیش بینی شده نوعی از جاسوسی  
مستحق اعدام تشخیص داده و در طرز تعقیب و رسیدگی و محاکمه و تعیین کیفر  
طرزی عمل نمایند که هرگز مورد نظر مقنن نبوده و مفاسدی را هم ایجاد  
نمایند. بنابراین این موضوع فوق العاده قابل تأمل و دقت میباشد.

۲- دربند (۱۰) مقرر شده است که « در صورت اجرای ماده ۱۱۴ و سلب حق تجدیدنظر از محکومین دادگاههای زمان جنگ اگر در اثر تقاضای دادستان پرونده بمرحله تجدیدنظر برود حق فرجام نیز از محکومین این قبیل دادگاهها سلب میشود »

این قسمت نیز که متمم و مکمل بند (۲) میباشد برخلاف کلیه اصول مسلم قضائی و حتی برخلاف حقوق بشری است زیرا وقتی دادستان حق تقاضای تجدیدنظر و فرجام داشته باشد شخص محکوم بطریق اولی میتواند از این حق استفاده نماید.

۳- ضمن بند (۱۸) اینطور مقرر شده است که « نظامیان وظیفه که در حین خدمت تحت اسلح متهم بارتکاب یا شرکت یا معاونت جرائمی میشوند باید در دادگاههای عمومی دادرسی شوند هر گاه ارتکاب قبل از ورود بخدمت و وظیفه بوده تعقیب کیفری موکول بختامه خدمت و وظیفه خواهد بود و هر گاه در حین خدمت باشد مشمول مقرراتی خواهد بود که درباره نظامیان داوطلب مقرر است »

بعقیده اینجانب موکول نمودن تعقیب کیفری اشخاصیکه قبل از ورود بخدمت و وظیفه مرتکب جرمی شوند بختامه خدمت و وظیفه آنان مسلماً موجب تضییع حق افرادی خواهد شد که از جرم آنان متضرر شده اند.

مثلاً شخصی که قریباً مشمول بوده و باید خود را برای خدمت سربازی معرفی نماید وقتی که بداند که پس از ورود بخدمت عجلاناً مصون بوده و تعقیب نخواهد شد اولاً ممکن است با اطمینان خاطر مرتکب عملیاتی بشود که بدون علم باین « مصونیت » قانونی مرتکب نمیشد ثانیاً پس از ورود بخدمت و گذشتن چند ماهی ممکن است فرار نماید و در صورت دستگیری هم بر طبق ماده ۱۵۵ قانون نظام وظیفه محکوم بتجدید خدمت و وظیفه باشش ماهم خدمت اضافی خواهد شد و با فرار دفعه دوم مجدداً محکوم بتجدید خدمت با یکسال خدمت اضافی و برای فرار دفعه سوم محکوم بچهار سال خدمت زیر پرچم خواهد شد و پس از انقضای این مدت هم یا بکلی فرار نماید و یا بعنوان داوطلب وارد خدمت نظامی بشود و در این مدت آثار جرم از بین رفته و حقوق متضررین از جرم هم تضییع خواهد شد در حالی که در ماده ۴۲۴ قانون دادرسی و کیفر ارتش تمام صور و موارد مختلف قضیه مطالعه شده و با توجه بمصالح ارتش و تأمین خدمت و وظیفه مشمولین و هم رعایت حقوق

افراد متضرر از جرم وهم کیفر دادن مرتکبین جرایم مقرراتی بدین نحو وضع شده است :

ماده ۴۲۴ - در مورد مشمولین نظام وظیفه که قبل از ورود بخدمت زیر پرچم با اتهام ارتکاب جنایات مطلقا و جنحه های ارتكابی برضد امنیت کشور و سرقت و کلاهبرداری و خیانت در امانت مورد تعقیب واقع شده باشند بر تریب پائین عمل خواهد شد :

**الف -** هر گاه قبل از احضار بخدمت سر بازی تحت تعقیب کیفری درآمده و در موقع مشمولیت و احضار بخدمت هنوز رسیدگی و دادرسی خاتمه نیافته باشد احضار شخص متهم بخدمت زیر پرچم تا خاتمه رسیدگی و صدور حکم قطعی بتأخیر خواهد افتاد و پس از صدور حکم قطعی دادرسی مربوطه نتیجه حکم را بحوزه نظام وظیفه معرفی خواهد داد .

**ب -** چنانچه بعد از ورود بخدمت نظام وظیفه ( در اثر ارتکاب بزه قبل از شروع بخدمت ) مورد تعقیب واقع شوند بنا بدخواست دادرسی مربوطه شخص متهم با خلع کسوت نظامی بوسیله دژبانی کل بدادرسی درخواست کننده تسلیم خواهد شد .

تبصره - دادرسی مزبور مکلف است در هر دو مورد پرونده های این قبیل متهمین را با سرعت وقت و خارج از نوبت رسیدگی نموده و نتیجه دادرسی و مفاد حکم را بقسمت مربوطه شخص متهم اطلاع دهد و در صورت محکومیت بر طبق مفاد ماده ۲۲ قانون نظام وظیفه با محکوم عمل خواهد شد .

بنابراین با وجود مقررات ماده ۴۲۴ قانون دادرسی و کیفر ارتش که تمام نکات لازم در آن پیش بینی شده بند (۱۸) ماده واحده پیشنهادی بيمورد بوده و مقرون بمصلحت نیست .